

خبر

قطع آب، برق و گاز خانه‌های پلاک قرمز

- ایسنا، رئیس پلیس پایتخت از بی‌توجهی برخی دستگاه‌ها و نهادها به مسئله جمع‌آوری و زباله‌ریزی معتمدان متجاهر انتقاد کرد. سردار حسین حیمی در حاشیه اجرای هفتمین مرحله از طرح برخورد با سارقان و مجرمان پایتخت با حضور در مجمع خبرنگاران درباره طرح‌های پلیس برای شب بیدار، اظهار کرد: طرح‌های ویژه پلیس در حوزه نظامی و ترافیکی برای شب عبید از ۲۳ بهمن آغاز شده و مشخصاً پلیس در ۲۱ مرکز عمده ترافیک طرح‌های خود را اجرا کرده و این مراکز تحت پوشش قرار گرفته است. ضمن اینکه طرح‌های راکتی نیز آغاز شده و همکاران من برای این ایام و آماده‌باش کامل هستند. رحیمی در پاسخ به پرسشی درباره برخورد با خرده‌فروشان و جمع‌آوری معتمدان متجاهر در محدوده شوش، مولوی و هرنیدی اظهار کرد: باید بگویم که از برخی دستگاه‌ها و زمینه اجرای این طرح کمک داریم و لازم است آنها با جدیت بیشتری به مسئله ورود کنند. رحیمی درباره تعداد معتمدان متجاهر جمع‌آوری‌شده در حله‌های شوش، مولوی و هرنیدی نیز گفت: بیش از پنج هزار معتمد متجاهر در این مناطق جمع‌آوری شده است. همچنین بالغ بر ۲۰۰ خرده‌فروشان مواد مخدر نیز دستگیر شده‌اند و ۷۸ منزل پلاک رمز که به پانوق و محل فعالیت این معتمدان تبدیل شده بود هم پلمب شد. رحیمی ادامه داد: رجال حاضر با اقدامات انجام‌شده به زودی برق و گاز منازل پلاک قرمز نیز قطع خواهد شد و خدمات شهری به آنان ارائه نمی‌شود. ضمن اینکه در حمالی تشریفات هشتم تا با شناسایی مالکان این خانه‌ها، برخی از خانه‌های بلاصاحب در مراحل انونی تخریب شوند. به گفته فرمانده انتظامی تهران بزرگ در مجموع بیش از ۸۰۰ نفر در این ۷ خانه پلاک قرمز وجود داشت که این اتاق‌ها ۹۷ نفره شناسایی و پلمب شدند. رحیمی با بیان اینکه مسئله معتمدان دارای بیماری‌های فاس و عفونی نیز یکی دیگر از مشکلات جدی پلیس در جمع‌آوری معتمدان متجاهر است، گفت: از میان پنج هزار معتمد متجاهر که در حله‌های شوش، مولوی و هرنیدی جمع‌آوری شده و به مراکز بازپرسی و درمان منتقل شده‌اند، حدود ۴۰۰ نفر دارای زخم باز و بیماری‌های عفونی مانند اچ‌ای‌وی مثبت بودند که برای آنان باید فکری جدی شود. همچنین تعدادی کودک ۱۸ سال نیز در میان معتمدان جمع‌آوری‌شده به چشم می‌خورد که برای آنها نیز باید فکری شده و فرمانده انتظامی تهران بزرگ درباره فعالیت‌های ست‌فروشان و بساط‌گستران در سطح معابر نیز گفت: از اوایل این هفته عملیات طرح ساماندهی ست‌فروشان اجرا شده و محدوده‌هایی در خیابان‌هایسترفروشان چهارراه همسپو و چهارراه‌هایسترفروشان پاک‌سازی شده و با هماهنگی شهرداری ست‌فروشان به محل‌هایی منتقل شدند تا در آنجا به فعالیت خود ادامه دهند. رئیس پلیس پایتخت با بیان اینکه بساط‌گستری نباید سبب ایجاد مزاحمت برای شهروندان، اخلاط در ترافیک و ترافیکی کم می‌شود، گفت: در همین راستا نیز دست‌فروشان ساماندهی شده و به محل‌های شخصی هدایت شده‌اند. او در پاسخ به سؤال دیگر درباره ورود کالاهای قاچاق به پایتخت گفت: اوچودآنکه کشفیات ما نیز در مبارزه با کالای قاچاق افزایش داشته اما ورود کالای قاچاق نیز به پایتخت افزایش داشته که البته طرح‌های ویژه‌ای مقابل آن در دستور کار داریم.



احمد مسجد جامعہ

در دهه ۵۰ محله جوادیه شاعر و طنزپرداز داشت به نام عمران صلاحی که نام جوادیه را در ادبیات فارسی جاودانه کرد. او از همان نوجوانی اش شعر طنز می سرود. نخستین سروده او در هفتاد و هشتاد و پنج، «توفیق» که در سال ۴۵ چاپ شد و توجه دوستداران طنز را برانگیخت، سپس با تشویق عباس توفیق به کار در آن نشریه فراخوانده شد و پای او به نوشتن در مطبوعات باز شد و کار طنز را جدی گرفت. پرویز شاپور دوست نزدیک او شد و در این راه همراهی هنری داد کرد. شوخی‌های میان او، پرویز شاپور هنوز وارد اهل زبان و ادب است؛ از جمله امروز که هوا ابری است یاد این حکایت می افتم که شبی بارانی با شاپور از دفتر محله توفیق برای رفتن به خانه بیرون آمدم، عمران هنگام بیرون آمدن از شاپور پرسید وسیله آورده‌ای؟ و پاسخ شنید بله آورده‌ام و چترش را نشان داد. عمران خود روزنامه توفیق ستونی را به عنوان «بچه جوادیه» داشت. صلاحی همکار کیومرث صابری بود که ستون «گردن شکسته فومنی» را در توفیق داشت و این زمینه‌ای شد که پس از آن و در سال‌های بعد عمران در نشریه گل آقا ستون بچه جوادیه را پی گرفت. متأسفانه این مجموعه تاکنون در دفتری جداگانه چاپ نشده و خوب است بچه‌های جوادیه همت کنند و این کار را به سامان برسانند. صلاحی منظومه‌ای بلند درباره محله جوادیه با این عنوان گفته است: «من بچه جوادیه‌ام». خانه کوچک خانواده صلاحی در جوادیه، حریم راه‌آهن در کوچه شهید نوری قرار داشت (که در بهمن ۵۷ به شهادت رسید). این خانه در بافت فرسوده و ریزدانه قرار داشت و در مجموع با خانه همسایه از نو ساخته شد و عملاً از آن خانه قدیمی چیزی باقی نمانده است. این شعر نام جوادیه را بسیار سر زبان‌ها انداخت و بی تردید در جدی‌ترین شعرها در ادبیات سیاسی دهه ۵۰ است. این منظومه در مجموعه شعرهای صلاحی و در جویای مختلف چاپ می شد و هنوز هم از شعرهای ماندگار روزگار ماست. اما هنوز چنانکه باید حق این شعر با رویکرد محله‌شناسی ادا نشده است. به واقع این شعر ابواب مدائن خاقانی و مازاندنیه بهار را به یاد می آورد که هر دو مکانی می‌باشند. من بچه جوادیه‌ام نخستین بار در دفتر «گره در آب» چاپ شد و پس از آن بارها در جنگ‌های مختلف باز چاپ شد با اینکه این یکی از اشعار آن مجموعه است، اما مشهورترین شعر آن مجموعه نیز هست. پربیراهه اگر بگویم این شعر جوادیه را به عرصه ادبیات فارسی آورد. ما نمونه این جوادانگی را در جاهای دیگر هم داریم، مثلاً تکیه دولت که در نقاشی کمال‌الملک جاودانه شد، این شعر هرچند از جوادیه آغاز می‌کند اما بی‌درنگ از امیریه، مختاری، گمرک و در بخش‌های بعدی از شوش و سسی متری نام می‌برد تا بگوید: «تمام مردم این محله‌ها مثل هم زندگی می‌کنند. من بچه جوادیه‌ام / سپس امیریه / مختاری / گمرک / فرقی نمی‌کند...» سپس اشاره می‌کند به میدان راه‌آهن و حوض میان میدان و ساکن همیشگی آن جزیره آنها که در سن و سال من هستند می‌دانند: و مجسمه‌های که عمران صلاحی به آن می‌گوید: «ساکن همیشگی آن جزیره»، اما بی‌درنگ بگوید: «من می‌کند و می‌گوید: «فکتم همیشگی؟» و چیزی نگذشت که دیدید آن تردیدی که شاعر مطرح

می‌کرد، پیش آمد. نکته آن است که شاعر این تغییر یا بهتر بگوییم، این انفجار را پیش‌بینی کرده است. چون در پایان همین شعر می‌گوید: «من هم محل درد/ این روزها دیگر/ چون بشکه‌های نفتم/ با کمترین جرقه/ می‌بینی ناگاه/ تا آسمان هفتم/ رفتم».

تعبیری که صلاحی از این محله‌ها به کار می‌گیرد «رود» است. مقصودش از رود آموذش فراوان مردم است اما رود خروش هم دارد، به‌ویژه رودی که گرفتار نکبت شده است؛ درون‌مایه شعر نو زجر و درد است؛ از درد سخن گفتن، از درد شنیدن و با درد رفتن، «آب از چهار رود می‌ریزد/ رود جوادیه/ رود امیریه/ سده‌متری/ شوش/ و دابان/ گشوده بر این بادها/ نکبت...».

او نکبت را این‌گونه توصیف می‌کند: «یک روز ای محله ما آمدید/ همراه خود بیاور چرت را/ اینجا همیشه هوا گرفته است/ اینجا همیشه ابر است/ اینجا همیشه باران است/ باران اشک/ باران غم/ باران فقر/ باران کوفت/ باران زهرمار/ اینجا همیشه هوا بارانی است...»؛ بارانی که او می‌گوید هیچ‌وقت همراه طراوت و شادمانی نیست و اصلاً بی‌م می‌دهد که «مباد دیوارها تابوت سقف را زمین بگذارد».

این سقف را مانند تابوتی تفسیر می‌کند که روی دوش دیوارهای شهر است و ادامه می‌دهد باید دعا کنیم/ که از درهای سقف/ آوای اضطراب فطره باران/ در تشت ننشیدم/ باید دعا کنیم/ همراهِ مادر که به دشت/ هی تیر می‌کشد/ همراه ساری که دو چشمش/ می‌سوزد/ و چون دند که پیرهن کهنه/ افتاده در کنارش... آن سال‌ها ادبیات و آثار برتولت برشت که با در گرفتن جنگ جهانی دوم به آمریکا رفته بود، در بازشت زندگی در آلمان شرقی را برگزید، بسیار رواج داشت. برای کسانی که با آثار او آشنایی دارند این بخش‌های شعر گویاست و از تعبیری استفاده می‌کند که برشت هم استفاده می‌کرد و مثلاً می‌گوید: بارانی که از سقف بر پس گردن آینه‌زبان نیست. صلاحی آن باران آزاددهنده را توصیف می‌کند. صلاحی

می‌گوید. می‌دانید که او عمری طولانی نداشت و در ۶۰ سالگی در ۱۳۸۵ پس از بازگشت از سفر چین آخرین سفر خود را هم رفت. او جای دیگر در ادامه شعر می‌گوید: کشتارگاه/ در آخر حوادیه/ این سوی نازی آباد است/ و مردم محله من هر صبح/ با بوی خون/ بیدار می‌شوند/ در بوی تند شاش و بهن/ اینجا بهار بینی خود را می‌گیرد/ سگ‌های

نارزآباد / در بوی لاشه‌های کهن عشق می‌کنند / می‌میدادگاهشان / کشتارگاه / انبوه گوسفندان / تصویر
میکشود / کوره‌های آدم‌سوزی را / در ذهنم / بیدار می‌کنند...
کسی که مثل «هیچ کس نیست» از قضا خانه
پدری فروغ هم در همین جلّه‌های پیرامون
کشتارگاه / انتهای کوچه خادم‌آزاد در خیابان امیریه
بود.

عمران صلاحی بیشتر در طنز بندآوازه است تا شعر و این شعر غم‌انگیز تلخ را کسی گفته که طنزپرداز است و حتی طنزهای صلاحی به اندازه این شعر جا باز نکرد. این شعر در دهه ۵۰ دست به دست می‌گشت و در جنگ‌ها باز چاپ و در محافل خوانده می‌شد. پدر صلاحی کارگر راه‌ران بود و این راسته جنوبی تهران که در زمان پهلوی اول راه افتاد، راسته صنعتی شهر بود. در اینجا نسلی زاده شد و سر برآورد که در خانواده‌های کارگری پیدا شدند. صلاحی هم از همین طیف بود طبقه بود هر چند اصالتاً آذری و تبریزی بود و کتاب شعری به زبان ترکی به نام «بنجره دن داش گلیر» گفته است. صلاحی خام‌راه‌ران جوادیه را به طنز می‌گوید که زندگی پچه‌های محل از بزرگ وجود قطار است و ادامه می‌دهد: سوت قطار، یعنی / آن بهای که تیر و کمانش چشم و چراغ‌های محل را از کاسه در می‌آورد به هر حال سوت قطار از خطر روانه است و همه دشمنی پر از قصبه‌ها و خاطرات با قطار است.

صلاحی از آسمان محله جوادیبه هم غافل
گینست و به گونه‌ای آن را توصیف می‌کند که حتی
کوتوله‌ها هم در آن اجازه پرواز ندارند؛ در بام‌ها،
شکوه کوتوله‌ها دیگر نیست؛ زیرا کوتولان، مغلوب
مرغ‌های فلزی گشته‌اند؛ از روی شاخه‌های فلزی/
اینجا عبور مرغ‌های فلزی است؛ اکنون کوتولان/
در سینه ملول کوتول‌بازان/ می‌لرزد؛ با دست
و پاال خمی... کوتول‌بازان یا به گفته خودشان،
عشق‌بازان کوتوله مثل عشق که در بله پنهان است
لای پیرهن‌شان پنهان می‌کردند، در آن زمان
شهرنابی از کوتوله‌بازها خواست که کوتوله‌هاشان
را از خانه‌ها از جوادیبه بیرون ببرند اینجاست
که کوتوله‌ها بسیار داشت هم اینجا، هم امیریه، هم

منبریه هم نازی آباد هم سی متری و... در آن روزها دکتوبرتباری از سرگرمی های جوانان بود. سازمان هواپیمایی سی گفت کیوتوها برای هواپیماها ایجاد خطر می کنند، چه‌ها جوادیه که غالباً لوطی‌منش بودند، نمی‌خواستند کیوتوها را از خودشان دور کنند برای همین مأموران انتظامی به خانه آنها می‌رفتند و کیوتوها را می‌گرفتند و در گونی می‌کردند به بیرون شهر می‌بردند. اما کیوتوها جوادیه که در لوطی‌گری از جوان‌های جوادیه کم نداشتند، بعد از مدتی به جای خودشان باز می‌گشتند مثل جوان‌های جوادیه که می‌رفتند و زاین و بازی‌گشتند. به هر حال پلیس کمین می‌کرد و سربزه به خانه‌های رفت و کیوتوها را می‌سیرید. به یاد دارم که آن زمان این داستان‌ها خیلی سر زبان‌ها بود و گاهی به روزنامه‌ها هم

کشیده می‌شد. صلاحی آسیب‌های زدگی در کنار فرودگاه آموزشی قلعه‌مرغی و فرودگاه مهرآباد را بسیار زیبا تصویر کرده است. اما در جوادیه کارگران و کوبتربازان و به‌چاهی لب طاق پایه‌های اخلاقی استواری داشتند که از چشم‌شاعر جوادیه پنهان نمانده؛ این‌که جوادیه و محله‌هایی مثل آن، آن‌همه شهید در دفاع از سرزمین دادند، ریشه در همان جوانمردی‌شان دارد که امروز در جامعه ما رفته‌رفته رنگ باخته است، من بچه جوادیه‌ام/ در آن محله هنوز/ موسی/ سبیل/ پیمان/ حکمی است/ من که‌های نان سوخته استوار

به مناسبت سالروز تولد عمران صلاحی

بچہ جواد یہ



بچہ جوادیہ

تعبیری که صلاحی از این محله‌ها به

تعبیری که صلاحی از این محله‌ها به
کار می‌گیرد (رود) است. مقصودش
از رود آموشد فراوان مردم
ام‌رود خروش هم دارد، به‌ویژه
رودی که گرفتار زنجیر شده‌است؛
درون‌مایه شعر نو و درد است؛
از درد سخن گفتن، از درد شنیدن
و با درد زیستن: «آب از چهار رود
می‌ریزد؛ رود جوادیه/ رود امیریه/
سی‌تری/ شوش/ و با پادین گشوده
بر این دهاها، نکت...»

ننجا همیشه ابر
ان اشک / باران
زهرمار / اینجا
که او می گوید
دمانی نیست و
تابوت سقف

حل سودوکو سخت

۸	۹	۳	۶	۱	۷	۲	۴	۵
۲	۱	۵	۴	۸	۳	۶	۷	۹
۷	۴	۶	۵	۹	۲	۱	۸	۳
۴	۷	۱	۲	۳	۶	۵	۹	۸
۵	۶	۲	۸	۷	۹	۳	۱	۴
۳	۸	۹	۱	۵	۴	۷	۶	۲
۹	۲	۷	۷	۶	۵	۸	۳	۱
۶	۵	۸	۹	۳	۱	۴	۲	۷
۱	۳	۷	۲	۴	۸	۹	۵	۶

حل سوؤلو ۲۲۲۲۲

۶	۹	۱	۳	۲	۷	۴	۸	۵
۲	۳	۴	۵	۱	۸	۷	۹	۶
۵	۷	۸	۶	۴	۹	۱	۳	۲
۷	۱	۲	۸	۳	۶	۵	۴	۹
۴	۵	۹	۱	۹	۲	۸	۷	۳
۳	۸	۹	۴	۷	۵	۲	۶	۱
۹	۴	۵	۷	۶	۱	۳	۲	۸
۱	۶	۳	۲	۸	۴	۹	۵	۷
۸	۲	۷	۹	۵	۳	۶	۱	۴

جدول ۳۳۳۷

۱	۱۶	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	ن	ش	ا				ا	ی	ا	ل	ی	ا	ن	۱
۲	و		ا	م	ی			ی	ا			ا	ن	۲
۳	ر		پ	ا	ب	ج			ا	ط	ل	ی	ن	۳
۴	و		ح				ر	ا	ه			د	م	۴
۵		ر		ا	ح	ا	ر		پ	ه	ر		م	۵
۶				ا	د	ی		ا		ک	م	ه	ا	۶
۷	ی			ک	و	د		ا	ل		ا	ل	ی	۷
۸	م	م		ی	م	ی		ر	و	ر		ن	د	۸
۹				د	ه		ی		ا	ه	ی	ن		۹
۱۰		ا	ج		ا	ی					د	م		۱۰
۱۱		د	ش				ا	ه	م		ی	ه		۱۱
۱۲				پ	ا	ن		ی		ر	ه		ج	۱۲
۱۳	ع			ا	ز	ل			م		و	ب	ر	۱۳
۱۴	ا	د			ن	ا	ل			د		ا		۱۴
۱۵	ی	ع		ا	و	ی		م			و	ا	ن	۱۵

سودو کو سخت ۲۳۳۴

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

های حل جدول سودوکو:

- ۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
- ۲- در هر مربع 3×3 اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوگو سادہ ۲۳۳۴

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سود و کو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عدد‌های بی تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

						Λ		
9				1		5		
	Λ				9		7	3
6		3	9	4		7		
	7						3	
		9		Λ	6	7		1
3	7		Λ				6	
		7		3				7
		5						

1			4				6
8		6			2	4	
			5	8			9
	2	4	7	3			
9							4
				4	9	7	8
7	6			5	1		
		9	2			3	7
4					3		8

ستون حقوق حیوانات

تجارت غیرقانونی، بلای جان حیات وحش

سپهر سلیمی

- در کنار تغییرات آب‌وهوایی، نابودی زیستگاه‌ها و افزایش جمعیت انسان‌ها، یکی از عواملی که روند انقراض گیاهان وحش را سرعت بخشیده است، تجارت غیرقانونی حیات وحش است. خرید و فروش حیوانات، شکار و تجارت محصولات حیوانی نظیر عاج فیل و شاخ کردن از مهم‌ترین بخش‌های این تجارت در جهان است. تجارت غیرقانونی حیات وحش پس از نابودی زیستگاه‌ها به دومین عامل نابودی حیات وحش در دنیا تبدیل شده است. گردش مالی تجارت غیرقانونی حیات وحش (IWT) به رقم غیرقابل باور ۲۳ میلیارد دلار می‌رسد که باعث شده است به یکی از بزرگ‌ترین جرائم سازمان‌یافته جهان تبدیل شود. این تجارت سیاه پس از مواد مخدر، انسان و اسلحه چهارمین جرم سازمان‌یافته جهان است. ریسک کم، ارزش افزوده زیاد و عدم حساسیت لازم به این تجارت باعث شده در سال‌های اخیر رشد داشته باشد. باعث اثر این تجارت بر حیات وحش بخش‌هایی از جهان متمرکز است که مردمانش درآمد کمتری دارند و اتفاقاً عدد بسیار ناچیزی از سود کلان این تجارت (در حدود ۳ درصد) عاید جوامع محلی می‌شود. برخلاف دیگر جرائم سازمان‌یافته، تاجران حیات وحش گاهی به‌طور خیلی راحت و آزاد در فضای مجازی و اینترنت به عرضه محصولات خود می‌پردازند. در کالاهای قاچاق، وقتی تقاضای جهانی برای محصولی افزایش می‌یابد، شاهد تولید محصولات تقلبی از آن جنس هستیم؛ اما این مسئله برای حیات وحش صدق نمی‌کند و تقاضای بیشتر به انقراض منجر خواهد شد. در سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۴ قیمت یک پوند عاج فیل در کشور چین از ۵۵ دلار به ۹۵۵ دلار رسیده است. در سال ۲۰۱۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد به اتفاق آرا برای مقابله با این تجارت که بیش از هفت هزار گونه در آن کشور جهان را تهدید می‌کند، تازید کرد.

باغ وحش‌ها و مراکز نگهداری از حیوانات به دلیل اینکه سالانه هزاران حیوان در آنها متولد می‌شوند که گاهی از گونه‌های گران‌قیمت هستند، به یکی از حلقه‌های تجارت حیوانات وحش تبدیل شده‌اند. طبق گزارش دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرائم سازمان ملل که در سال ۲۰۱۶ منتشر شد، باغ‌وحش‌ها یکی از مقاصد تجارت حیات وحش هستند. هرچند قوانین سخت‌گیرانه‌ای در این باره وجود دارد، اما بررسی‌ها به نشان داده این کار در پشت پرده باغ‌وحش‌ها در حال انجام است. قاچاق حیات وحش سبب شده جمعیت فیل‌ها در ۵۰ سال از یک میلیون و ۲۰۰ هزار به ۵۰۰ هزار عدد کاهش پیدا کند و جمعیت بابر‌ها نیز در یک قرن ۹۵ درصد کاهش داشته باشد.

تقویت قوانین حمایت از حیوانات و تعهد دولت‌ها به مبارزه با قاچاق حیات وحش، آموزش مأموران شاغل در سیستم‌های حمل‌ونقل و گمرک، نظارت سخت‌گیرانه بر باغ‌وحش‌ها و به‌طور کلی مراکز نگهداری از حیوانات مانند باغ پرندگان و دلفیناریوم‌ها، حمایت دستگاه‌های امنیتی، نظامی و قضایی از عواملی است که می‌تواند به کاهش جرائم سازمان‌یافته تجارت حیات وحش در کشورها منجر شود.